



## مطالعه تطبیقی مسئولیت کیفری جمعی در حقوق بین الملل کیفری و حقوق ایران

حسین گرامی<sup>۱</sup>  
محمد رضا شادمانفر<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۰۵/۲۳ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۷/۱۰/۲۹

### چکیده

مسئولیت مجرمانه مشترک، یکی از مصادیق مسئولیت مجرمانه در حقوق بین الملل کیفری است که گاهی در جهت جلوگیری از بی کیفر مانی مجرمین در این حوزه تلقی می شود. این مفهوم به طور صریح نخستین بار در شعبه تجدید نظر دادگاه یوگوسلاوی سابق در سال ۱۹۹۹ و در پرونده تادیچ<sup>۳</sup> مطرح شد و بعد از آن توسط دادگاه های بین المللی استفاده شد. بر اساس این نوع از مسئولیت تمامی شرکت کنندگان در یک طرح مجرمانه ممکن است، برای جرایم ارتكابی توسط تمامی اعضای آن گروه ولو آن که خود دخالت مستقیم در آن نداشته باشند، مسئول باشند. امکان سنجی اعمال این نوع از مسئولیت در حقوق ایران با بضاعت موجود قانون مجازات اسلامی در نهادهایی چون شرکت در جرم، عضویت در گروه مجرمانه و نیز سردستگی نشان می دهد که قانون گذار کیفری ایران با تاکید بر اصل شخصی بودن مسئولیت، این نوع از مسئولیت را به صراحت به رسمیت نمی شناسد ولیکن در پاره های موارد می توان با استفاده از همین نهادها این نوع از مسئولیت را اعمال نمود.

### کلید واژه ها

مسئولیت مجرمانه مشترک، اقدام مجرمانه مشترک، تبانی، سردستگی، مشارکت.

### مقدمه

مجبور بودن شخص نسبت به تحمل تبعات کیفری رفتار مجرمانه خود (که در قالب

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، واحد خوراسگان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

Hosseingerami1365@yahoo.com

<sup>۲</sup> استادیار دانشکده حقوق، واحد خوراسگان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول): mrsh23@gmail.com

<sup>۳</sup> Tadic

مجازات است) را مسئولیت کیفری گویند. (العوجی: ۱۲/۱۹۸۵، ۱) برای تحقق مسئولیت کیفری تحقق سه رکن اهلیت جنایی، تقصیر و اسناد ضرورت دارد. (میر سعیدی: ۱، ۸۹/۹۰)

از آن جا که ارتکاب جرم چه در حوزه حقوق بین الملل کیفری و چه در حوزه داخلی مستلزم انجام افعال متعدد و پیچیده است، در بسیاری از جرایم، تعداد زیادی از افراد به طور مستقیم و غیر مستقیم دخیل هستند که فعل آن‌ها در چهار چوب‌هایی نظیر مباشرت، سببیت، آمریت، تحریک، عضویت در گروه و ... نمود می‌یابد. در برخی از روش‌های دخالت فرد در رفتار مجرمانه، فرد مرتکب صرفاً به انجام اقدامات حاشیه‌ای می‌پردازد، به نحوی که در عملیات اجرایی جرم دخالتی نداشته باشد. در برخی اشکال دیگر، اقدام مرتکب به نحو انجام اقدامات فکری و معنوی است؛ در واقع در این حالت مرتکب مغز متفکر گروه است و بدون آن که در عملیات اجرایی جرم مداخله‌ای داشته باشد، نقش پر رنگی را در تحقق فعل مجرمانه ایفا می‌کند. در حاشیه بودن این دسته از مرتکبین، گاه به نحوی است که انتساب عمل را به ایشان در مرحله ثبوت و اثبات متعسر می‌سازد و گاه مسئولیت ایشان را در حد معاون جرم تقلیل می‌دهد و گاه موجب بی‌کیفرمانی ایشان می‌شود. در حقوق بین الملل کیفری از آن جهت که اولاً؛ اقدام سازمان یافته شرط تحقق برخی جرایم است و ثانیاً؛ تمامی شرکت کنندگان به طور یکسانی عمل نمی‌کنند و ممکن است هر کدام از آن‌ها نقشی متفاوت در طراحی، سازمان دهی، تحریک نمودن، هماهنگی و اجرا ایفا نمایند، تعیین مرز دقیق مسئولیت هریک از مداخله کنندگان در جرم، امر دشواری است. از دیگر سو یافتن دلیل و مدرک و شاهد علیه هر فرد به نحو مجزا، در این جرایم مشکل است، لذا نیاز به نهادی که مسئولیت افراد حاشیه‌ای و غیر دخیل در فعل مجرمانه را پوشش دهد، بسیار مبرم است. (Cassese, 2007, 1/110) این مساله موجب شد، مفهوم مسئولیت کیفری جمعی<sup>۱</sup> از حقوق عرفی وارد حقوق بین الملل کیفری شود. این مفهوم، نوعی از مسئولیت را مشخص می‌کند که برای پوشش مسئولیت تمامی شرکت کنندگان در یک نقشه مجرمانه مشترک، مناسب به نظر می‌رسد؛ در واقع این قسم از مسئولیت می‌تواند اقدامات تمامی افراد درگیر در یک طرح و نقشه مشترک را صرف نظر از میزان تاثیر گذاری رفتار و نیز نوع دخالت ایشان در رفتار مجرمانه، مشمول تبعات جزایی قرار دهد. به همین دلیل عده‌ای آن را «یک فرد همه فن حریف» معرفی نمودند. (vanderwit, 2007, 1/92)

<sup>1</sup> Joint criminal responsibility

در این نوشتار برآنیم اولاً، مفهومی مختصر از مسئولیت کیفری جمعی را ارائه و ثانیاً، نهادهای مشابه آن را در حقوق ایران مقایسه و تطبیق نموده و ثالثاً، امکان اعمال چنین مفهومی را در حقوق داخلی ایران بررسی نماییم.

### ۱- مفهوم مسئولیت کیفری جمعی

اغلب اوقات، جنایات بین المللی از اقدامات انفرادی افراد حاصل نمی‌شود، بلکه محصول عملیات مجرمانه دسته جمعی و متعاقب بر یک طرح مجرمانه مشترک است. منطق و مبنایی که موجب می‌شود در این فرض هریک از این افراد به‌عنوان مجرم اصلی و نه معاون جرم، مسئول شناخته شوند، در پرونده تادیچ، توسط شعبه تجدید نظر دادگاه یوگوسلاوی سابق، به این نحو بیان شده است: «درست است که فقط برخی از اعضای گروه، اقدام مجرمانه را به طور مادی انجام داده‌اند، اما مداخله و کمک رسانی دیگر اعضای گروه، غالباً اهمیتی حیاتی در تسهیل ارتکاب جرم مورد نظر دارد. به همین دلیل، از نظر اخلاقی اهمیت چنین مداخله‌ای، اغلب از کار کسانی که عملاً اقدامات مجرمانه مورد نظر را به اجرا در می‌آورند، کمتر نیست و در حقیقت این دو با هم تفاوتی ندارند.»<sup>۱</sup>

دکترین مسئولیت کیفری جمعی، مسئولیت کیفری را در ارتباط با جرایم کلان و گسترده، در جایی که تعیین نقش هریک از اعضای گروه به دلیل پیچیدگی و گستردگی مبهم است، به تمامی اعضای گروه نسبت می‌دهد. مفهوم مسئولیت کیفری جمعی اغلب اشاره به طرح مشترک، برنامه مشترک و هدف مشترک دارد. طبق این مفهوم اعضای گروهی که دارای این هدف و برنامه مشترک هستند، در پاره‌ای از اوقات، علاوه بر مسئولیت پیدا کردن در برابر جرایمی که شخصاً مرتکب آن شده‌اند در برابر تمامی جرایمی که اعضای گروه مرتکب آن گردیده‌اند، مسئولیت کیفری دارند؛ البته نکته مهم این جاست که باید این جرایم به عنوان نتیجه طبیعی طرح مشترک آن‌ها قابل پیش بینی باشند.

این نوع از مسئولیت ظهور دفعی نداشت و در محاکم قبل از دادگاه یوگوسلاوی نیز دارای سابقه بود. سابقاً محاکم بین المللی در جهت مجازات تمامی مداخله کنندگان در این جرایم متوسل به برخی مفاهیم می‌شدند که هرچند با مسئولیت مجرمانه جمعی متفاوت بود ولیکن مبنای ظهور این نظریه را تشکیل می‌داد. توجه به این مفاهیم و سیر شکل‌گیری مسئولیت جمعی در حقوق بین الملل کیفری در شناخت ابعاد این نظریه مفید خواهد بود.

<sup>1</sup> Tadic Appeals Judgement, para, 191

## ۲- سیر تاریخی شکل گیری مسئولیت کیفری جمعی در حقوق بین الملل کیفری:

عقیده‌ای که به طور گسترده در بین حقوقدانان حکم فرما است آن است که تعریف این قسم از مسئولیت برای اولین بار در پرونده تادیچ و در شعبه تجدید نظر دادگاه یوگوسلاوی سابق<sup>۱</sup> در سال ۱۹۹۹ مطرح گردید. (Jayankakula, 2010, 15) (میر محمد صادقی، ۱۳۸۸، ۱۶۶) ولی با بررسی محتوای محاکمات بعد از جنگ جهانی دوم باید گفت، این مفهوم در عرصه حقوق بین الملل کیفری، برای نخستین بار در رویه محاکمات بین المللی بعد از جنگ جهانی دوم شکل گرفت و پس از آن به طور گسترده در رویه قضایی بین المللی مورد استفاده قرار گرفت. این شق از مسئولیت در حقوق کشورهای رومی ژرمن سابقه‌ای نداشت و از کامن لا وارد حقوق بین الملل کیفری شد. در عرصه حقوق کامن لا، مفهوم مسئولیت جمعی در پرونده‌های انگلیس<sup>۲</sup> و پاول و دیگران<sup>۳</sup> در حقوق انگلستان دارای سابقه است. در پرونده انگلیس، دو متهم پرونده بر مبنای مسئولیت جمعی محکوم به قتل یک مامور پلیس شدند. این دو نفر در این پرونده به سوی مامور پلیس حمله کرده بودند ولی مامور پلیس با چاقوی یکی از آنها کشته شده بود. نهایتاً یکی از متهمین صرفاً به دلیل حضور در صحنه قتل به قتل عمد محکوم شد. (محسنی، فرید، ۱۳۸۸، ۱۹۰) در این پرونده متهم بر مبنای مسئولیت کیفری جمعی، بدون آن که در عملیات اجرایی جرم دخالت داشته باشد، صرفاً به دلیل حضور در صحنه و حضور در طرح و نقشه قبلی، محکوم به قتل شد.

### ۲-۱) مسئولیت جمعی در محاکم مرتبط با جنگ جهانی دوم:

مقررات دادگاه‌های نظامی نورنبرگ<sup>۴</sup> و توکیو<sup>۵</sup> مقررهای به طور خاص در خصوص مسئولیت جمعی، نداشتند ولیکن در خصوص جرایم علیه صلح مقرراتی داشتند که مورد استفاده قضات در مسئولیت جمعی قرار گرفت. ماده ۶ منشور نورنبرگ و بند c ماده ۵ منشور دادگاه توکیو بیان می‌داشت: «جرایم علیه صلح، عبارت است از طراحی، تهیه مقدمات، راه اندازی و برپا کردن جنگ تجاوز کارانه یا جنگ علیه معاهدات و یا شرکت در طرح و تبانی مشترک برای ارتکاب این جرایم»

<sup>1</sup> International Criminal Tribunal for Yugoslavia (ICTY)

<sup>2</sup> Regina v English

<sup>3</sup> Regina v Powell and another-

<sup>4</sup> International Military Tribunal Nuremberg

<sup>5</sup> International Military Tribunal Tokyo

از این ماده در دو بخش برای طرح ریزی مسئولیت جمعی استفاده شد. نخست در بخش عضویت در سازمان مجرمانه و دیگری تبانی.

در بخش عضویت در سازمان مجرمانه، بعد از جنگ جهانی دوم این بحث وجود داشت که چگونه با نازی‌ها برخورد کنند. در این زمینه بریتانیا خواستار اعدام تمامی اعضای کادر رهبری نازی‌ها بود، اما افسران ایالات متحده آمریکا بر تشکیل دادگاه و محاکمه تاکید داشتند. هرچند نهایتاً نظر دوم پذیرفته شد؛ اما در زمینه اجرا، مشکلاتی از جمله این که چه کسانی مورد محاکمه قرار گیرند، وجود داشت. برای حل این مشکلات، پیشنهادهای مطرح شد که در نهایت راهکار مورد پذیرش این بود که متحدين، رسماً علیه سازمان‌های اصلی حزب نازی کیفرخواست صادر کنند. بنابراین در فرض اثبات مجرمیت یک سازمان، اصل بر آن بود که عضویت در آن سازمان، خود دال بر بزهکاری است، مگر این که متهم ثابت کند پیوستن او به آن گروه عمدی نبوده و یا این که از اهداف گروه بی اطلاع بوده است. (Pomorski, 1990, 220)

وضع چنین مسئولیتی موجب شد که برای دو میلیون نفر کیفرخواست صادر شود.

در بخش تبانی، دادگاه نورنبرگ، تبانی را هم به عنوان یک جرم علی‌حده در جرایم علیه صلح و هم به عنوان گونه‌ای از مسئولیت پذیرفت. طبق گونه اول، تبانی خود به عنوان یک جرم تلقی گردید. ماده ۱۶ اساسنامه، گونه‌ی اول تبانی را بیان نموده است. لذا در خصوص جرایم علیه صلح، صرف تبانی برای ارتکاب این جرایم، کافی است ولو آن که جرایم مذکور عملاً واقع نشود.

مطابق گونه دوم تبانی، این مفهوم به عنوان مبنایی برای مسئولیت مورد توجه قرار گرفت. به عبارت دیگر، در این روش تبانی به خودی خود جرم نیست اما می‌تواند به عنوان مبنایی برای مسئولیت افراد نسبت به جرایم واقع شده به کار رود. ماده ۶ اساسنامه دادگاه نورنبرگ بعد از ذکر انواع جرایم علیه صلح، جرایم جنگی و جرایم علیه بشریت در بیان این مفهوم از تبانی بیان می‌دارد: «رهبران، سازمان دهندگان، محرکان و شرکاء دخیل در تنظیم یا اجرای طرح مشترک یا تبانی برای ارتکاب همه جرایم پیش گفته در قبال تمام جرایم انجام شده، توسط همه اشخاص در طرح، مسئول هستند.»

تبانی به عنوان گونه‌ای از مسئولیت کیفری با مسامحه و اغماض یکی از اقسام مسئولیت مجرمانه مشترک در پرونده پینکرتون<sup>۱</sup> مورد پذیرش قرار گرفت.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> Pinkerton

<sup>۲</sup> Pinkerton V United Stute 1046, 640

با این حال آن چه در دادگاه نورنبرگ مطرح شد را نباید مسئولیت کیفری جمعی در مفهوم امروزی و واقعی آن بدانیم، چرا که اگر چه عضویت در سازمان و تباری شباهت زیادی به مسئولیت جمعی دارد، لکن تفاوت‌هایی با آن دارد؛ آن چه در مسئولیت مجرمانه جمعی اهمیت دارد این است که صرف عضویت در گروه مجرمانه یا تباری برای ارتکاب یک جرم، موجب مسئولیت نمی شود؛ بلکه عضویت به علاوه اقدام در جهت پیشبرد اهداف گروه در نیل به یک جرم داخل در صلاحیت دادگاه بین‌المللی، مدنظر است که مرتکب در را تمامی جرایم اعضای گروه سهیم می‌کند. این تفاوت و تفاوت‌هایی از این قسم، سبب می‌شود عضویت در گروه و تباری را دقیقاً منطبق بر مسئولیت جمعی ندانسته و صرفاً آن را مبنایی برای رواج و شکل‌گیری شالوده مسئولیت جمعی بدانیم.

## ۲-۲) مسئولیت جمعی در دادگاه یوگوسلاوی:

تبلور رسمی مسئولیت کیفری جمعی در پرونده تادیچ و توسط شعبه تجدید نظر دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگوسلاوی سابق در سال ۱۹۹۹ بود.<sup>۱</sup> در این پرونده گروه مسلحی که دوسوکو تادیچ از اعضای آن بود، پنج مرد را در دهکده جاسکیسی<sup>۲</sup> به قتل رسانده بودند. هرچند ثابت نشد که تادیچ خود اقدام به تیر اندازی نموده باشد، نهایتاً نامبرده در اتهام قتل آن پنج نفر گناهکار تشخیص داده شد. علت محکومیت آن بود که او تصمیم به پیشبرد قصد مجرمانه مشترک با سایر اعضای گروه را داشت و فعالانه در پیشبرد آن می‌کوشید. این طرح، یک طرح قابل پیشبینی و قابل تشخیص با هدف مبتنی بر تصفیه قومی بود و بر پاکسازی منطقه پریجدور<sup>۳</sup>، از جمعیت غیر صرب از طریق ارتکاب اعمال غیر انسانی که بر روی آن‌ها واقع می‌شد، پافشاری می‌کرد. بنابراین این واقعیت که غیر صرب‌ها احتمالاً در اجرای این تصمیم مجرمانه کشته خواهند شد، با توجه به اوضاع و احوال پرونده یاد شده قابل پیشبینی بود و بر همین مبنا و بدون این که ثابت شود تادیچ به طور فیزیکی درگیر قتل آن پنج نفر بوده به آن جرم محکوم شد. بخشی از استدلال دادگاه تجدید نظر در آن پرونده به این شرح بود: «آن چه ضرورت دارد نوعی حالت ذهنی است که در آن شخص با آن که قصد تحصیل نتیجه مشخصی را نداشته، مطلع بوده است که فعالیت‌های گروه به احتمال

<sup>1</sup> Prosecutor V Dusko Tadic, 15.1999

<sup>2</sup> Juskici

<sup>3</sup> Prijedor

زیاد به آن نتیجه خواهد انجامید و از روی میل و رغبت آن خطر را پذیرفته است، به سخن دیگر اصطلاحاً سوءنیت احتمالی که در برخی نظام‌های حقوقی بی‌پروایی خودآگاه نیز نامیده می‌شود، شرط است.<sup>۱</sup>

بنابر این در پرونده تادیج از بند یک اساسنامه دادگاه یوگوسلاوی، چنین برداشت شد که عبارت مرتکب شود، هم شامل اقدام مجرمانه فردی و هم شامل مسئولیت مجرمانه مشترک است و با این برداشت مسئولیت مجرمانه مشترک از حقوق عرفی وارد حقوقی بین‌الملل کیفری شد.

بعد از آن، این مفهوم در پرونده کریستیچ<sup>۲</sup> که متهم به حضور در یک اقدام مجرمانه مشترک برای نسل‌کشی بود مورد پذیرش قرار گرفت. کریستیچ در این پرونده در ابتدا صرفاً در یک طرح مشترک برای اخراج مسلمانان از مناطقی در سربرینیکا، شرکت داشت؛ اما به مرور که بر او آشکار شد که مقامات ارشد نظامی این گروه، هدف کشتار هزاران نظامی را دارند، باز هم به عضویت در این گروه ادامه داد و با این کار ثابت گرد که از قصد قتل عام این گروه، آگاه است. این مفهوم، همچنین در پرونده‌های میلوسویچ<sup>۳</sup> و سیمیک و دیگران<sup>۴</sup> مورد پذیرش واقع شد.

### ۲-۳) مسئولیت کیفری جمعی در دادگاه کیفری بین‌المللی روآندا:

دادگاه کیفری بین‌الملل روآندا نیز مفهوم مسئولیت کیفری جمعی را تایید نموده است. در پرونده روآماکوبا<sup>۵</sup> (رای در مورد حکم استیناف) دادگاه تجدید نظر مقرر نمود که این دادگاه با استناد به مسئولیت کیفری جمعی به عنوان نوعی از مسئولیت، صلاحیت محاکمه پژوهش‌خواه به اتهام کشتار جمعی را داشته است.<sup>۶</sup>

### ۲-۴) مسئولیت کیفری جمعی در دادگاه کیفری بین‌الملل

اساسنامه دادگاه کیفری بین‌الملل به عنوان نخستین سند بین‌المللی در عرصه حقوق بین‌الملل کیفری است که مشتمل بر مقرراتی راجع به مسئولیت بر مبنای مسئولیت جمعی است. این اساسنامه، بر خلاف دو دادگاه موقت قبلی که نامی از عنوان مسئولیت جمعی نیاورده

<sup>1</sup> Tadic Appeals Judgement, para,220

<sup>2</sup> Prosecutor v kristic.2001, 98,33

<sup>3</sup> Milosevic

<sup>4</sup> simic and others

<sup>5</sup> Rwamakuba

<sup>6</sup> Decision On Interloctory Appeal .Rwamakuba 2004.ss9,30

و صرفاً با تمسک به رویه قضایی بین‌المللی، این مفهوم را در آرای خود به کار گرفتند، در بند ۳(d) از ماده ۲۵ به این نوع از مسئولیت اشاره نموده است. در این بند آمده است: «شخص نسبت به جنایاتی که در صلاحیت دیوان بین‌الملل کیفری قرار دارد، در هر یک از حالات زیر مسئولیت داشته و قابل مجازات است:

د) از طریق گروهی از اشخاص که با هدف مشترکی اقدام می‌کنند و به هر نحو به ارتکاب جرم یا شروع به ارتکاب آن کمک کنند و این کمک رسانی باید عمدی باشد و حسب مورد: یک: به منظور پیشبرد فعالیت مجرمانه یا هدف مجرمانه گروه صورت پذیرد، مشروط بر این که فعالیت یا هدف مورد نظر شامل ارتکاب یکی از جنایات در صلاحیت دیوان باشد. دو: با علم و آگاهی از تصمیم گروه مبنی بر ارتکاب جرم انجام شده باشد.» این مقررہ اگرچه صریحاً به مسئولیت کیفری مشترک اشاره‌ای ندارد؛ اما با بیان فعالیت مجرمانه گروهی از اشخاص که با هدف مشترک اقدام می‌نمایند، کاملاً با مفهوم مسئولیت کیفری مشترک هم پوشانی دارد. با این حال، این ماده از سوی مفسران مورد انتقادات گسترده‌ای از جمله این که محدوده این ماده نمی‌تواند دسته سوم مسئولیت مجرمانه مشترک را، در بر گیرد، قرار گرفته است. (جانی پور، ۱۳۹۳، ۱۴۵)

### ۳) انواع مسئولیت کیفری جمعی و مقایسه آن با حقوق ایران:

در پرونده تادیچ، شعبه تجدید نظر دادگاه کیفری بین‌المللی یوگوسلاوی سابق با تمسک به رویه قضایی بعد از جنگ جهانی دوم و عرف حاکم این نوع از مسئولیت را به سه دسته متمایز دسته بندی نمود. این سه دسته عبارتند از:

- ۱) مسئولیت مجرمانه جمعی اساسی (نوع پایه‌ای مسئولیت مجرمانه مشترک)<sup>۱</sup>
- ۲) مسئولیت مجرمانه جمعی نظام مند (منظم)<sup>۲</sup>
- ۳) نوع گسترش یافته مسئولیت مجرمانه جمعی (گسترش یافته نوع اول)<sup>۳</sup>

در این بخش انواع مسئولیت کیفری جمعی را توضیح داده و آن را با مفاهیم نزدیک در حقوق ایران تطبیق خواهیم داد.

<sup>1</sup> Basic Joint Criminal responsibility

<sup>2</sup> Systemic Joint Criminal responsibility

<sup>3</sup> Extended Joint Criminal responsibility



## ۳-۱) مسئولیت کیفری جمعی اساسی:

برخی این شق از مسئولیت کیفری جمعی را برای تاکید بر لزوم سهم بودن شرکت کنندگان در قصد ارتکاب جرم مورد نظر، مسئولیت کیفری بر اساس هدف عمدی نیز نامیده‌اند. (Cassese, 2007, 110)

این دسته از مسئولیت کیفری جمعی شامل مواردی می‌شود که در آن همه اعضای یک گروه، هدف مشترکی برای پیشبرد و تعقیب طرح مورد نظر دارند و در این زمینه با هم توافقاتی را انجام می‌دهند. با این وجود ممکن است برخی از اعضای گروه، فعل فیزیکی جرم را انجام نداده و در عملیات اجرایی جرم دخالتی نداشته باشند، ولی باز هم بر اساس این نوع از مسئولیت، دارای همان میزان مسئولیت کیفری هستند که مرتکب اصلی جرم داراست. در واقع در این نوع از مسئولیت، صرف عضویت در گروه و توافق بر اهداف گروه برای سهم بودن در جرایم ارتکاب یافته توسط تمامی اعضای گروه، کافی است. (MeginyetmAudra, 2010, 231)

برای تحقق این شق از مسئولیت کیفری جمعی لازم است:

اول: یک گروه با طرح یا نقشه یا هدف مشترک وجود داشته باشد؛ اما لزومی ندارد که این گروه در قالب واحد نظامی، سیاسی، اداری یا اجرایی سازماندهی شده باشد. (کریانگ ساک کیتی شیایزری: ۱۳۹۱، ۲۸۳) در خصوص تعداد اعضای لازم برای تحقق گروه تصریحی وجود ندارد ولیکن با مذاقه در پرونده‌های مشابه<sup>۱</sup> می‌توان گفت که تعداد اعضای لازم برای تشکیل گروه نیز حد اقل دو نفر است. (Jayankakula, 2010, 21)

دوم: فرد در طرح مشترک شرکت ارادی داشته باشد؛ لازم نیست این دخالت شامل ارتکاب جرم خاصی مثل قتل یا نابود سازی یا شکنجه باشد، بلکه ممکن است به صورت یاری یا کمک رسانی به اجرای طرح یا هدف مشترک باشد. این مساله در پرونده سیمیچ<sup>۲</sup> و دیگران که در سال ۲۰۰۳ مطرح شده به خوبی بیان شد. این پرونده سه متهم داشت اما متهم اصلی سیمیچ بود که بر مبنای گونه اول مسئولیت مجرمانه مشترک، مسئول شناخته شد. او ریاست انجمن شهرداری و ستاد بحران را بر عهده داشت. متهم مذکور و افراد دیگر هدف مشترک آزار و اذیت غیر نظامیان غیر صرب را داشتند. این آزار و اذیت به شکل بازداشت و توقیف غیر قانونی، رفتار غیر انسانی و ظالمانه مانند ضرب و جرح و شکنجه و کار اجباری ظاهر شد.<sup>۳</sup> متهم در هیچ یک

<sup>1</sup> Prosecutor v Brdanin, 2004.262

<sup>2</sup> simic

<sup>3</sup> Judgment, simic and other, 2003, 151

از این افعال دخالت مستقیم نداشت ولی به این علت که از طرح و قصد مشترک گروه آگاهی داشت، بر مبنای مشارکت در فعالیت مجرمانه مشترک، به ۱۷ سال حبس محکوم شد. سوم: قصد مشترک وجود داشته باشد. برای تحقق این شرط لازم است افراد دخیل در طرح مجرمانه مشترک قصد مشابهی برای ارتکاب جرم داشته باشند. برای مثال همه اعضای گروه بخواهند اقدام به نسل زدایی نمایند. علاوه بر قصد مشترک بی احتیاطی یا بی مبالاتی عمدی یا سو نیت ضمنی نیز می تواند برای مشمول شدن تمامی شرکت کنندگان در یک نقشه مشترک کافی باشد. برای مثال اگر نقشه مشترک این باشد که عده ای از غیر نظامیان برای کار اجباری از آب منع شوند، کلیه شرکت کنندگان در این طرح، به علت قابلیت پیش بینی قتل به خاطر تشنگی، مسئولیت قتل عمدی را دارند.

در حقوق کیفری ایران عضویت در گروه به عنوان یک نوع از اقسام مداخله در ارتکاب جرم، به طور عام پیش بینی نشده است ولیکن فعل فیزیکی و رکن مادی برخی جرایم را عضویت تشکیل می دهد. اینها جرایمی هستند که به تنهایی قابل ارتکاب نبوده و برای تحقق می بایست حد اقل سه نفر را درگیر خود نمایند. از مصادیق این جرم در تعزیرات می توان از ماده ۴۹۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۷۵ با عنوان عضویت در گروه مجرمانه که هدف آن بر هم زدن امنیت کشور است و در بین حدود از جرم بغی نام برد. در این دسته از جرایم صرف عضویت در یک گروه با مشخصات خاص جرم انگاری گردیده است.

سوال آن است که در این دسته از جرایم آیا فرد عضو گروه که با علم به موضوع و قصد مشترک در این گروه عضویت می یابد، آیا صرفاً مسئول افعال ارتكابی خویش است یا در قبال تمامی جرایم ارتكابی اعضای گروه که در راستای انجام هدف مشترک بوده، دارای مسئولیت است؟

در پاسخ به سوال، بررسی جرم بغی که دارای مقررات مفصل تری نسبت به سایر جرایم از این نوع است، راهگشا است. ماده ۲۸۵ قانون مجازات اسلامی در تعریف بغی بیان می دارد: «گروهی که در برابر اساس نظام جمهوری اسلامی ایران قیام مسلحانه کند، باغی محسوب و در صورت استفاده از سلاح، اعضای آن به مجازات اعدام محکوم می گردند.» ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی در ادامه بیان می دارد: «هرگاه اعضای گروه باغی قبل از درگیری و استفاده از سلاح دستگیر شوند، چنانچه مرکزیت آن وجود داشته باشد به حبس تعزیری درجه ۳ و در صورتی که سازمان و مرکزیت آن از بین رفته باشد به حبس تعزیری درجه ۵ محکوم می گردند.»

از عبارت «هرگاه گروه باغی قبل از درگیری و استفاده از سلاح دستگیر شوند» می‌توان برداشت کرد که برای تحقق باغی استفاده از سلاح شرط نیست ولیکن اگر یکی از اعضای گروه از سلاح استفاده کند، تمامی اعضای گروه به دلیل ارتکاب جرم باغی به اعدام محکوم می‌گردند و اگر هیچ یک از اعضای گروه از سلاح استفاده ننمایند، اعدام منتفی می‌گردد و حسب مورد که مرکزیت گروه باقی باشد یا خیر به حبس تعزیری درجه سه یا پنج محکوم می‌شوند. این برداشت از ماده با ظاهر ماده منطبق‌تر است ولیکن با قاعده تفسیر مضیق نصوص جزایی سازگار نیست. لذا تفسیر دوم از ماده آن است که منظور از قیام مسلحانه صرف اعلام این نکته از سوی گروه که آن‌ها به اصطلاح وارد عمل مسلحانه علیه حکومت شده‌اند، نیست؛ بلکه دست بردن به سلاح علیه اساس حکومت در عمل ضرورت دارد. به علاوه عبارت در صورت استفاده از سلاح در ماده ۲۸۷ نشان می‌دهد که کسانی باغی محسوب می‌شوند که عملاً دست به سلاح برده باشند، چون اگر بنا بود صرف اقدام به قیام مسلحانه از سوی گروه، موجب باغی محسوب شدن همه اعضا و هواداران آن شود، آن‌گاه با توجه به این که ماده به قیام مسلحانه علیه نظام جمهوری اسلامی ایران اشاره کرده است، دیگر نیازی به قید در صورت استفاده از سلاح در ماده وجود نمی‌داشت. (میر محمد صادقی، ۱۳۹۲، ۲، ۶۶)

برداشت دوم از ماده که همچنان تاکید بر لزوم مداخله در عملیات اجرایی جرم دارد این نتیجه را در پی دارد که تحقق باغی منوط به وجود گروهی است که در برابر اساس حکومت اسلامی قیام نمایند و حد اقل یکی از اعضای آن دست به سلاح برده باشد. با تشکیل این گروه و تحقق باغی، اعضای گروه از حیث مجازات دو دسته خواهند بود. کسانی که دست به سلاح برده اند که باغی محسوب می‌شوند و کسانی که دست به سلاح نبرده اند که این افراد باغی محسوب نشده و به حبس تعزیری درجه سه محکوم خواهند شد.

هریک از این برداشتها در نتیجه می‌تواند قرابتی به مسئولیت مجرمانه جمعی از نوع نخست داشته باشد. چرا که استفاده یکی از اعضا از سلاح موجب می‌شود که مجازات همه اعضای گروه را ولو آن که خود از سلاح استفاده نکرده باشند، تحت الشعاع قرار دهد. اما با این حال برداشت اول از مفاد ماده ۲۸۵ قانون مجازات اسلامی، قرابت بیشتری با مسئولیت مجرمانه جمعی نوع اول پیدا می‌کند چرا که وحدت مجازات فاعل اصلی و عضو گروه که یکی از اهداف مهم مسئولیت مجرمانه جمعی است را لحاظ می‌کند.

با تمام این تفاسیر، باز هم لازم به تذکر است که عضویت در گروه در مفهومی که در جرم بغی بیان شد با شق نخست مسئولیت مجرمانه جمعی تفاوت‌هایی دارد که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

نخست، مسئولیت مجرمانه جمعی در حقوق بین الملل کیفری در کنار معاونت و مشارکت یک شق از مسئولیت به طور عام بوده و اختصاص به جرم یا جرایم خاصی ندارد، در حالی که شرکت در گروه مجرمانه و تسری نتایج افعال اعضای گروه به سایر اعضا صرفاً در یک جرم خاص و به طور محدود در حقوق ایران پذیرفته شده است.

دوم، وحدت مجازات اعضای گروهی که دخالت در عملیات مادی جرم نداشته‌اند و دخالت کنندگان در رکن مادی جرم در حقوق ایران وجود ندارد، در حالی که هدف اصلی و اساسی در مسئولیت مجرمانه جمعی نیل به وحدت مجازات است.

### ۲-۳) مسئولیت مجرمانه جمعی منظم (نظام مند)

مسئولیت کیفری جمعی منظم در ارتباط با جرایمی مطرح می‌شود که در یک اردوگاه یا بازداشتگاه رخ می‌دهد لذا برای تحقق آن لازم است :

اول: یک نهاد مانند زندان یا اردوگاه یا ساختاری مشابه وجود داشته باشد؛ وجود نهاد یا ساختاری مثل زندان اردوگاه و ... در درجه‌ای از اهمیت است که برخی این شق از مسئولیت جمعی را مسئولیت برای شرکت در یک طرح مجرمانه مشترک رسمی و نهادینه نامیده‌اند. (Cassese, 2007, p113)

دوم: جرم و جنایت علیه ساکنان آن نهاد در مقیاس بزرگ به طور نظام مند انجام شود: این شرط معطوف به جرایمی است که در صلاحیت محکمه بین‌المللی است.

سوم: علم متهم به وجود چنین مجموعه‌ای و قصد وی برای پیشبرد اهداف آن مجموعه: این شرط را می‌توان از مقام و سمت فرد در آن نهاد استنباط کرد. شعبه تجدید نظر دادگاه یوگوسلاوی در قضیه تادیچ مراجعه کامل به پرونده اردوگاه اجباری کارداخائو<sup>۱</sup> مطروحه در محاکم مرتبط با جنگ جهانی دوم داشت. در این قضیه به اتهام افرادی رسیدگی می‌شد که جزء واحدهای نظامی یا اداری بودند و در طرح سوء رفتار با زندانیان و کشتن آن‌ها مشارکت داشتند. شعبه تجدید نظر با توجه به پرونده مذکور به توضیح رکن مادی و معنوی نوع دوم از مسئولیت مجرمانه جمعی پرداخت. از نظر این شعبه، رکن مادی ضروری برای این نوع از

<sup>1</sup> Dachau concentratin camp

مسئولیت جمعی عبارت است از مشارکت فعال در اجرای نظامی مربوط به سرکوب است و عنصر معنوی آن در بردارنده آگاهی از ماهیت نظام و قصد پیشبرد طرح مشترک است.<sup>۱</sup> چهارم: شرکت موثر متهم در پیشبرد اهداف این مجموعه: برای تحقق این شق از مسئولیت جمعی لازم است مرتکب در پیشرفت اهداف نهاد، شرکت موثر داشته باشد، ولی لازم نیست لزوماً در ارتکاب همان جرم دخالت داشته باشد. برای مثال کسی که هنگام ورود قطارهای آیوسچویز<sup>۲</sup> با علم به این که عمل وی در جهت مشخص نمودن افراد مناسب برای کار اجباری و آنان که باید بلافاصله به اتاق‌های گاز فرستاده شوند، اقدام به جداسازی زنان و کودکان و سالمندان نموده است، نقش مهمی در نابود سازی داشته است. وی در صورت قصد اجتناب از مسئولیت کیفری باید درخواست معافیت از وظایف خود و محول نمودن مسئولیت دیگری را می‌نمود.<sup>۳</sup> باید توجه داشت که اگر سهم و نقش متهم بسیار جزئی و ناچیز باشد، مشمول این نوع از مسئولیت جمعی نیست. مانند کسانی که خیابان‌ها را جارو کرده یا در رختشوی خانه‌ها کار می‌کردند، چون سهم قابل توجهی در هدف مشترک ندارند، مشمول مسئولیت جمعی نیستند. نکته حائز اهمیت آخر در خصوص این شق از مسئولیت جمعی آن است که در این نوع مسئولیت جمعی وجود هیچ نقشه یا توافق قبلی لازم نیست.

در حقوق ایران نمی‌توان مابه‌ازای صریحی از مسئولیت مجرمانه جمعی نوع دوم یافت. چرا که هیچ یک از اقسام مسئولیت در حقوق ایران به وجود یک ارگان یا سازمان یا نهاد تاکید ندارد. با این وصف باید تحلیل مسئولیت جمعی را با عنوان کلی شرکت در جرم بررسی و تطبیق نمود. در واقع سوال آن است که آیا مسئولیت مجرمانه جمعی نوع دوم با شرکت در جرم در حقوق ایران تطبیق دارد؟

شریک جرم، شخصی است که با شخص یا اشخاص دیگر در عملیات اجرایی جرم مشارکت می‌کند و جرم مستند به رفتار همه آن‌ها باشد، خواه رفتار هریک از آن‌ها برای ارتکاب جرم کافی باشد، خواه نباشد. (شمس ناتری: ۱۳۹۴، ۳۷) مستند قانونی شرکت در جرم در مقررات جزایی ایران مواد ۱۲۵ و ۲۷۵ و ۳۶۵ الی ۳۷۱ قانون مجازات اسلامی است. از مفاد ماده ۱۲۵ قانون مجازات اسلامی چنین برداشت می‌شود که لازمه وجود و تحقق شرکت در جرم آن است که: اولاً، شخص یا اشخاص دیگری وجود داشته باشد و در ثانی، علم و اطلاع از جرم بودن عمل

<sup>1</sup> Tadic Appeals Judgenent, para,204-209

<sup>2</sup> Auschwitz

<sup>3</sup> Tadic Appeals Judgenent, para,228

داشته باشند و ثالثاً، در عملیات اجرایی جرم مداخله نمایند و رابعاً، رابطه علیت بین افعال شرکا و جرم وجود داشته باشد. (محسنی: ۱۳۸۲، ۷۰/۲)

در بین این شرایط، شرط دوم و سوم با شرایط مسئولیت مجرمانه مشترک ارتباط زیادی پیدا می‌کند. در شرط علم و اطلاع شرکا از جرم بودن عمل، لازم است که شریک در جرم، با علم و اطلاع کامل و با اراده با شخص مجرم همکاری نموده باشد. همچنین لازم است این علم و اطلاع قبل از ارتکاب یا در زمان ارتکاب عمل وجود داشته باشد ولیکن شرکت در جرم منوط به هیچ توافقی نیست. بنابر این اگر دو نفر قصد ارتکاب جرمی را کرده باشند و به طور اتفاقی رفتار آن‌ها در لحظاتی با هم تقارن پیدا کند، عمل هریک از آن‌ها جرم علی حده محسوب نمی‌شود. مانند آن که دو نفر به قصد قتل با ضربات چاقو مجنی علیه را مجروح کنند، اگر چه پیش از آن بر سر نتیجه اتفاق نظر نداشته اند، لکن شریک در جرم هستند. (اردبیلی: ۹۲، ۸۶ و ۸۵)

در مسئولیت مجرمانه جمعی شق دوم نیز علی رغم ضرورت وجود علم، آنچه نیاز به اثبات ندارد، وجود یک طرح قبلی و نیز توافق بین افراد آن اردوگاه است در واقع همین که فرد با عنصر روانی در عملی کردن و تحقق نظام سرکوب و سوء رفتار نقش ایفا کند، دارای مسئولیت است. در پرونده کوکا<sup>۱</sup> و دیگران که در سال ۲۰۰۱ در دادگاه یوگوسلاوی مورد رسیدگی قرار گرفت متهمان این پرونده پنج نفر بودند که هریک نقش و مقامی در اردوگاه زندانیان آمارسکی<sup>۲</sup> داشتند. کوک فرمانده یک بخش اردوگاه بود. رادیچ، فرمانده در گردش بود. کاس، فرمانده در گردش نگهبانان بود و زیگیچ، راننده تاکسی بود که معمولاً برای سوء استفاده و ضرب و جرح و کشتن زندانیان وارد اردوگاه می‌شد. شعبه، اعلام کرد که اردوگاه آمارسکی سمبل نوعی از فعالیت مجرمانه مشترک است و بنابراین، در مورد رکن روانی بیان داشت که آگاهی از فعالیت مجرمانه می‌تواند از موقعیت متهم و مدت زمانی که در اردوگاه گذرانده است و عملکرد وی و برخوردی که با زندانیان داشته است، مشاهده بدن مجروح زندانیان و مشاهده اجساد مردگان در اردوگاه، قابل استنباط باشد.<sup>۳</sup>

شرط دوم؛ برای تحقق شرکت در حقوق ایران مداخله تمامی شرکا در عملیات اجرایی جرم است. عملیات اجرایی هر جرم مشخص و معین است و افرادی که در انجام این عملیات مداخله

<sup>1</sup> Kvoka

<sup>2</sup> Amarska

<sup>3</sup> Judgment, Kvoca and others, 2001, 324

داشته باشند، شریک در جرم محسوب می‌شوند. با این توضیح که اگر فعالیت یکی از کسانی که در ارتکاب جرم همکاری داشته داخل در تعریف عملیات اجرایی جرم نباشد، نمی‌توان او را به عنوان شریک در جرم محکوم کرد. برای مثال شخصی که مأمور مراقبت از خیابان است تا در صورت نزدیک شدن پلیس دوستان خود را که مشغول دزدی هستند، مطلع نماید، شریک در جرم نیست. (صانعی: ۸۲، ۵۵۶)

با این وجود گاهی اوقات تشخیص شریک در جرم دشوار است. فرض کنیم دو نفر سارق با یکدیگر وارد منزلی می‌شوند تا یک انگشتر برلیان را سرقت کنند و بعد از آن که یکی از آن‌ها درب گاو صندوق را می‌گشاید، همو انگشتر را از گاوصندوق خارج می‌کند. در این مثال آیا می‌توان هردو نفر را شریک در جرم سرقت دانست؟ در پاسخ گویی به این مساله دو فرضیه عینی و ذهنی ارائه شده است. طرفداران نظریه عینی با سخت‌گیری بر روی عملیات اجرایی جرم اعتقاد دارند، در این مثال چون فرد دیگر مداخله‌ای در تعریف سرقت نداشته، لذا شریک در جرم محسوب نمی‌شود. (پوربافرانی، ۸۵، ۴۵) در مقابل قائلین به ضابطه ذهنی اعتقاد دارند که چون شرط تحقق سرقت مشارکت در عملیات اجرایی جرم است و عبارت عملیات اجرایی هم در لسان مقنن با لفظ جمع به کار رفته و لذا لزوماً یک عمل نبوده و با اعمال متعدد منطبق است، عمل دو نفر را شرکت می‌دانند. (بنگرید به محسنی، ۸۵، ۱۲۸/۱ و نوربها، ۱۳۷۹، ۲۲۱ و ۲۲۲)

علاوه بر این دو نظریه با توجه به سخت‌گیری قانون‌گذار در حدود و قصاص و دیه بر مبنای شرعی عده‌ای بر این باور هستند که در تعزیرات می‌توان از مفهوم استناد که شرط چهارم تحقق شرکت، است استفاده کرده و مفهوم شرکت را به مواردی که جرم به مرتکبین منتسب است ولی در عملیات اجرایی مداخله‌ای ندارند، سرایت داد ولی در حدود و قصاص و دیات چنین امری میسر نیست. (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۰، ۱۴۱)

تشخیص این که قانون‌گذار ایران از بین ضابطه ذهنی و عینی کدام رویکرد را اتخاذ نموده است در الحاق یا عدم الحاق نوع دوم از مسئولیت مجرمانه جمعی به شرکت در جرم موثر است. از نظر فقهی، می‌توان این مساله را در مبحث ممسک و شرکت در قتل و طلیع و رء در محاربه جست و جو کرد. با این توضیح که یکی از موارد خاص مداخله در قتل که فقها به آن اشاره کرده‌اند، امساک یا نگه داشتن کسی برای قادر ساختن دیگری به کشتن است. منظور از نگه داشتن نیز معنای عرفی آن است که شامل گرفتن با دست، پیچیدن طناب، محبوس ساختن و نظایر آن است. فقها، مجازات ممسک را حبس ابد می‌دانند. (شیخ طوسی، بی‌تا، ۱۰) معاون

دانستن ممسک که اقدام او نگه داشتن مقتول برای کشتن است و نقش مهمی را در قتل ایفا می‌کند، قرینه‌ای است بر آن که شارع و قانونگذار بر مداخله در عملیات اجرایی به نحو عینی برای تحقق شرکت تاکید دارد. در مقابل، در فقه اهل سنت در مورد ممسک در قتل عمد فقهای شافعی و حنفی و فقهای حنبلی معتقدند که قاتل قصاص می‌شود و ممسک حبس ابد می‌شود اما فقهای مالکی و فقهای حنبلی در نقل دیگر ممسک و قاتل را هردو شریک در قتل دانسته و به قصاص هردو اعتقاد دارند. (جزیری، ۳۰۲ / ۵ به نقل از حاجی ده آبادی، ۱۳۹۰، ۱۲۷)

از دیگر مصادیق خاص معاونت در شرع، طلیع و رده است. در فقه به کسی که برای محارب خبر و اطلاعات می‌برد، طلیع و به کسی که به محارب کمک می‌کند رده گویند. طلیع و رده محارب محسوب نمی‌شوند و به مجازات محارب محکوم نمی‌شوند؛ چون در عملیات اجرایی جرم محاربه مدخلیتی ندارند. این مساله نیز قرینه‌ای بر تاکید شارع بر مداخله در عملیات اجرایی جرم برای تحقق شرکت، است. لذا با این تاکید بر لزوم مداخله در عملیات اجرایی جرم، شرکت در جرم، فاقد ظرفیت لازم برای پوشش دادن مصادیق مسئولیت مجرمانه مشترک است.

### ۳-۳) مسئولیت مجرمانه جمعی گسترش یافته:

این دسته از مسئولیت جمعی مواردی را شامل می‌شود که یک طرح مشترک برای تمامی اعضای گروه وجود دارد و توافقاتی نیز صورت گرفته است. اما علی رغم این مساله یکی از اعضای گروه فراتر رفته و اقدام به عمل مجرمانه‌ای می‌زند که از یک سو خارج از توافق است و از دیگر سو قابل پیش بینی است. این نوع مسئولیت را مسئولیت کیفری ضمنی بر مبنای پیشبینی و فرض داوطلبانه خطر هم نامگذاری کرده‌اند. (Danner, 2004, 234) این شق از مسئولیت جمعی در استدلال دادستان در پرونده تادیچ مطرح شد. از آن جا که تادیچ متهم به قتل پنج مرد روستایی بود ولی شواهدی بر انجام عمل قتل علیه وی وجود نداشت، دادستان در مقابل تجدید نظر خواهی تادیچ استدلال کرد که: «تنها نتیجه معقول حاصل از تمامی ظواهر آن است که قتل پنج نفر قربانی به عنوان بخشی از پیامدهای طبیعی و محتمل به روستاهای جاسکیسی<sup>۱</sup> در ۱۴ ژوئن ۱۹۹۲ قابل پیش بینی بود. در مقابل، وکیل متهم استدلال کرد که: «احتمال دارد آن ۵ مرد در جاسکیسی توسط گروه مستقل دیگری به قتل رسیده باشند» و در

<sup>۱</sup> Jaskici



نهایت دادگاه تجدید نظر با پذیرش استدلال دادستان شق سوم از مسئولیت جمعی را مورد پذیرش قرار داد. مطابق این گونه از فعالیت مجرمانه مشترک جرایم خارج از طرح مشترک ممکن است متوجه تمامی اشخاص درگیر در این طرح شود به شرط آن که اولاً، چنین جرایمی قابل پیش بینی باشد و ثانیاً، با این حال متهم عمداً در اجرای آن طرح که ممکن است، چنین جرایمی را حاصل کند، مشارکت نماید. در واقع، نسبت به آن جرایم به نوعی بی تفاوت باشد. شعبه تجدید نظر در پرونده تادیب با ارائه مثالی بیان می‌دارد: «اگر قصد یک گروه اخراج اجباری اعضای یک قوم از محل زندگیشان باشد و در اجرای این طرح چند نفر کشته شوند، اگرچه قتل و کشتار مقصود نبوده و در طرح مشترک مورد توافق واقع نشده است، اما قابل پیش بینی بود که عمل اخراج اجباری غیر نظامیان به زور اسلحه می‌تواند به مرگ یک یا چند تن از آنها منجر شود.»<sup>1</sup>

در تطبیق این نوع از مسئولیت جمعی با حقوق ایران، تنها نهادی که تا حدودی شباهت این نوع از مسئولیت به حقوق کیفری ایران را تقریب می‌نماید، ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ است که مقرر می‌دارد: «هرکس سردستگی یک گروه مجرمانه را بر عهده گیرد، به حد اکثر مجازات شدیدترین جرمی که اعضای آن گروه در راستای اهداف همان گروه مرتکب می‌شوند، محکوم می‌گردد، مگر آن که جرم ارتكابی موجب حد یا قصاص یا دیه باشد که در این صورت به حد اکثر مجازات معاونت در آن محکوم می‌شود. در محاربه و افساد فی‌الارض، زمانی که عنوان محارب یا مفسد فی‌الارض به سردهسته گروه مجرمانه صدق کند حسب مورد به مجازات محارب یا مفسد فی‌الارض محکوم می‌گردد.

تبصره ۱: گروه مجرمانه عبارت است از گروهی نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم تشکیل می‌شود یا پس از تشکیل هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف می‌گردد.

برای تحقق سردستگی لازم است جرم ارتكابی توسط اعضای گروه در راستای وظایف و اهداف گروه باشد و لذا جرمی که خارج از هدف گروه توسط اعضای گروه ارتکاب می‌یابد در تعیین مجازات سردهسته لحاظ نمی‌شود. این همان قابلیت پیش‌بینی است که در مسئولیت جمعی گسترش یافته توضیح داده شد، در این صورت سردهسته به مجازات شدیدترین جرمی که اعضای گروه انجام داده اند محکوم می‌شود. با این تفاسیر، مسئولیت جمعی نوع سوم با

<sup>1</sup> Tadic Appeals Judgement, para,209

مفهوم سردستگی که در ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی آمده است، شباهت دارد چرا که مجازات جرایمی را که اعضای گروه مجرمانه انجام می‌دهند و سردسته ممکن است در آن هیچ دخالتی نداشته باشد به سردسته تحمیل می‌کند، لکن از این جهت که منحصر است به سردسته و شامل همه اعضای گروه نمی‌شود، با مسئولیت جمعی تفاوت دارد. توضیح آن که اگر در ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی همه اعضای گروه به شدیدترین جرمی که اعضای گروه در راستای اهداف آن گروه انجام می‌دادند، محکوم می‌شدند، این ماده بیانگر مسئولیت جمعی نوع سوم بود ولیکن ماده ۱۳۰ آن را اختصاص به سردسته داده است و لذا از این حیث با مسئولیت جمعی گسترش یافته دارای تفاوت است.

### نتیجه‌گیری

سوال اصلی در این تحقیق آن است که انواع سه‌گانه مسئولیت با کدام یک از نهادها در حقوق ایران قابلیت تطبیق دارد و آیا نهادهای موجود در حقوق کیفری ایران توانایی تحت پوشش قرار دادن این سه شق از مسئولیت جمعی را دارند؟ در پاسخ سه شق از مسئولیت جمعی را تفکیک و جداگانه تطبیق نمودیم.

نوع اول از مسئولیت جمعی یا به عبارتی مسئولیت مجرمانه جمعی پایه‌ای که بر گسترش مسئولیت جرم ارتكابی عضو گروه مجرمانه به همه اعضای گروه که با وجود قصد مشترک در پیشبرد اهداف آن نقش آفرینی می‌کند، متمرکز است، با مصادیق عضویت در گروه مجرمانه در حقوق ایران قابل تطبیق است. مواردی از این دسته جرایم در ماده ۴۹۸ قانون مجازات اسلامی در بخش تعزیرات و در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی (حد بغی) آمده است. در جرم بغی از این حیث که دست به اسلحه بردن یکی از اعضای گروه در میزان مجازات سایر اعضای گروه موثر است، شباهت به شق نخست از مسئولیت مجرمانه جمعی دارد ولیکن عضویت در گروه در مفهومی که در جرم بغی بیان شد دارای تفاوت‌های اساسی با شق نخست مسئولیت مجرمانه جمعی است:

نخستین تفاوت آن است که مسئولیت مجرمانه جمعی در حقوق بین‌الملل کیفری در کنار معاونت و مشارکت یک شق از مسئولیت به طور عام بوده و اختصاص به جرم یا جرایم خاصی ندارد در حالی که شرکت در گروه مجرمانه و تسری نتایج افعال اعضای گروه به سایر اعضا صرفاً در یک جرم خاص و به طور محدود در حقوق ایران پذیرفته شده است.

تفاوت دوم آن است که در حقوق ایران وحدت مجازات بین اعضای گروهی که دخالت در عملیات مادی جرم نداشته‌اند و دخالت کنندگان در رکن مادی جرم وجود ندارد در حالی که هدف اصلی و اساسی در مسئولیت مجرمانه جمعی نیل به وحدت مجازات به نحو فوق است. نوع دوم مسئولیت مجرمانه جمعی (یعنی نوع سیستماتیک آن) عبارت است از وجود یک سیستم مجرمانه سازمان یافته، دارای هیچ مابه ازای صریحی در حقوق ایران نیست. لذا می‌بایست آن را با عناوین کلی مسئولیت همچون شرکت در جرم مقایسه نمود. شباهت یا تفاوت مسئولیت جمعی نوع دوم با شرکت به رویکرد حقوق کیفری ایران به مفهوم مداخله در عملیات اجرایی جرم در شرکت بستگی دارد. در فرض پذیرش ضابطه عینی برای تحقق شرکت مداخله عینی در فعل مادی جرم ضرورت دارد و در فرض پذیرش ضابطه ذهنی انتساب عمل مجرمانه به شریک برای تحقق شرکت کافی بوده و نیازی به مداخله در عملیات مادی جرم نیست. از مذاقه در نصوص فقهی می‌توان برداشت نمود که رویکرد حقوق کیفری ایران به ضابطه عینی نزدیک‌تر است و لذا شرکت در جرم فاقد استعداد لازم برای تطبیق نوع دوم از مسئولیت مجرمانه جمعی است.

مسئولیت جمعی نوع سوم که مسئولیت جمعی گسترش یافته است با مفهوم سردستگی که در ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی آمده است، از این حیث که مجازات جرایمی را که اعضای گروه مجرمانه انجام می‌دهند و سردسته ممکن است در آن هیچ دخالتی نداشته باشد به سردسته تحمیل می‌کند، شباهت زیادی دارد ولیکن از این جهت که منحصر است به سردسته و شامل همه اعضای گروه نمی‌شود، با مسئولیت جمعی تفاوت دارد. توضیح آن که اگر در ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی همه اعضای گروه به شدیدترین جرمی که اعضای گروه در راستای اهداف آن گروه انجام می‌دادند، محکوم می‌شدند، این ماده بیانگر مسئولیت جمعی نوع سوم بود ولیکن ماده ۱۳۰ آن را اختصاص به سردسته داده است و لذا از این حیث با مسئولیت جمعی گسترش یافته دارای تفاوت است.

در نهایت می‌توان نتیجه گرفت حقوق کیفری ایران، در جهت جلوگیری از بی‌کیفرمانی مرتکبین جرایم سازمان یافته و گسترده که می‌تواند مشمول یکی از جرایم داخل در صلاحیت حقوق بین‌المللی کیفری باشد، نمی‌تواند از امکانات نهاد مسئولیت مجرمانه جمعی استفاده کافی را ببرد و نهادهای مشارکت و ... با تأکیدی که در حقوق کیفری ایران بر مداخله در عملیات مادی جرم در مشارکت وجود دارد، در این خصوص ناکارآمد هستند. توجه به صلاحیت تکمیلی دادگاه کیفری بین‌الملل که به موجب بند ۳ ماده ۲۰ اساسنامه مقرر شده، ایجاد

می‌کند که در راستای جلوگیری از متصف شدن رسیدگی‌های داخلی به رسیدگی‌های ناعادلانه یا رسیدگی‌هایی به منظور رهانیدن مجرم از محاکمه که موجب نفی صلاحیت محاکم داخلی و شمول صلاحیت دادگاه کیفری بین‌الملل می‌شود، مقررات داخلی ایران در راستای مقررات حقوق بین‌الملل کیفری اصلاح شود. این امر با اصلاح مقررات قانونی و نیز ایجاد رویه‌های قضایی نوین توسط قضات میسر خواهد شد.

### منابع:

#### منابع فارسی و عربی:

- ۱- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران، نشر میزان چاپ سی و دوم، ۹۲
- ۲- بحر العلوم، محمد بین محمد تقی، بلغه الفقہیہ، تهران، منشورات المکتبہ الصادق ۱۴۰۳
- ۳- پوریافرانی، حسن، تاملی بر یکی از آراء دادگاه‌های بدوی در باب شرکت در جرم، مجله دادرسی، شماره ۵۵- فروردین ۸۵
- ۴- حاجی ده آبادی، احمد، استناد و نقش آن در شرکت در جرم، مجله تحقیقات حقوقی، بهار ۱۳۹۰، شمار ۱۴۱
- ۵- حلی، جعفر بن الحسن، شرایع الاسلام، تهران، انتشارات استقلال، دوم، ۱۴۰۹
- ۶- دادبان، حسن، حقوق جزای عمومی فرانسه، چاپ اول، دانشگاه تهران، ۷۷
- ۷- زراعت، عباس، حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ دوم، تهران، جنگل ۱۳۹۳
- ۸- موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم، فقه الحدود و التعزیرات، قم، موسسه النشر لجامعه المفید، چاپ دوم، ۱۴۲۹
- ۹- شمس ناتری، محمد ابراهیم، قانون مجازات اسلامی در نظم کنونی، جلد اول، انتشارات میزان، چاپ دوم، ۹۲
- ۱۰- شیخ طوسی، الخلاف، جلد ۳، قم- دارالکتب العلمیه، بی تا
- ۱۱- صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، نشر طرح نو، چاپ اول، ۸۲
- ۱۲- طباطبایی-محمد حسین، نهاییه الحکمہ، چ ۳، قم، موسسه امام خمینی، ۱۳۸۸
- ۱۳- علی دوست، ابوالقاسم، مشارکت در حرام معیار استناد معصیت، مجله حقوق اسلامی، شماره ۴۷، زمستان ۹۴
- ۱۴- کریانک ساک کیتی سیایزری، ترجمه بهنام یوسفیان، محمد اسمائیلی، حقوق بین الملل کیفری، انتشارات سمت، ۱۳۹۱

۱۵- محسنی، فرید، مرزهای دقیق مسئولیت فردی بر اساس دکترین مسئولیت کیفری جمعی، فصل نامه دیدگاه‌های حقوقی دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، شماره ۴۸، زمستان ۸۸

۱۶- محسنی، مرتضی، مسئولیت کیفری، کتابخانه گنج دانش، چاپ دوم ۱۳۸۲

۱۷- مصطفی، المسئولیتة الجنایة، بیروت، موسسه نوفل، ۱۹۸۵

۱۸- میر سعیدی، سید منصور، مسئولیت کیفری، قلمرو و ارکان، چاپ سوم، ۹۰

۱۹- میر محمد صادقی، حسین، دادگاه کیفری بین‌الملل، چاپ پنجم، تهران، دادگستر، ۱۳۸۸

۲۰- \_\_\_\_\_ حسین، جرایم علیه اموال و مالکیت، چاپ چهلیم، نشر میزان ۹۳

۲۱- \_\_\_\_\_ حسین، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، چاپ ۲۱، نشر میزان ۱۳۹۲

۲۲- نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، تهران، نشر کتابخانه کنج دانش، چاپ چهارم،

۱۳۷۹

منابع لاتین:

1. Harmen van dewill (2007)-joint criminal enterprise possibilities and limitation – Journal of international criminal justice Internatinal Convention For Suppreddion of Bombing.
2. Jayankakula. Kitti (2010)- Is the doctrine of joint criminal enterprise a legitnate mode of individual criminal liability a study of the Khmer Rouge trials- eastom asia university.
3. MeginyetmAudra (2010) The Analysis of the third category of loint criminal enterprise doctrine finding justification for its existence balancing its scope in international criminal law. Bursseel university press
4. Michael P. Scharf, Defining Terrorism as the Peacetime Equivalent of War Crimes: Problems and Prospects, 36 Case W. Res. J. Int'l L. 359, 360-61 (2004)
5. stanis Law Pomorski (1990) conspiracy and criminal organization in the Nurenberg George Ginsburgs V. Nkudriavtsen, 220)
6. The proper limits of individual responsibility under the doctrine of joint criminal enterprise –Antonio Cassese-Journal of international criminal justice- oxford university –press 2007.

پرونده‌ها:

1. Decision On Interloctory Appeal .Rwamkuba ICTR -98-44-C, Appeal chamber, 22. Octobr 2004. ss9, 30)
2. International Tribunal or Rwanda (ICTR) (stanis Law Pomorski (1990) conspiracy and criminal organization in the Nurenberg George Ginsburgs V. Nkudriavtsen, 220).
3. Judgement, Krastic (It-98-33-t-trial chamber august 2001

4. Judgment. ntakirumana and ntakirumana (ICTR. 96. 10. ICTR. 96, 17) Appeal chamber -13 Desember 2004 .ss 462 ,466 -468), Prosecutor V Voeka et.al. op.eit
5. Judgment, tadic (IT-94-1-T) ICTY Trial Chamber. 11 November 1997.
6. Prosecutor V Dusko Tsdic, 15 julay 1999. ICTY. Appeal Judgement, case, No, it, 94, t, ICTY
7. Prosecutor V Dusko Tsdic, 15 julay 1999. ICTY. Appeal Judgement, case, No, it, 94, t, ICTY)
8. Prosecutor v kristic 2, August 2001, ICTY, case, no, IT, 98, 33, t)

